

«انتظار زن معاصر از دین: تحلیلی نظری و انتقادی بر مبانی، چالش‌ها و راهکارهای پاسخ‌گویی دینی»

عذرا طباطبایی حکیم^۱

◆ چکیده

زن معاصر، برخاسته از زمینه‌های تحولات اجتماعی، فرهنگی و معرفتی دوران مدرن، با پرسش‌ها و انتظاراتی نوین به سراغ دین می‌آید؛ انتظاراتی که برخلاف رویکرد سنتی، تنها به تبیین نقش خانوادگی یا تکلیف‌محورانه او بسنده نمی‌کند، بلکه بر بازشناسی هویت، کرامت، مشارکت اجتماعی و عدالت جنسیتی تأکید دارد. این مقاله با رویکردی انتقادی - نظری، به تحلیل چیستی و چرایی انتظار زن معاصر از دین می‌پردازد و ضمن بررسی تحولات گفتمانی در رابطه زن و دین، به ارزیابی دیدگاه‌های فقهی، تفسیری و کلامی درباره زنان می‌پردازد. نگارنده بر این باور است که بدون تحول در نوع مواجهه با متون دینی، به‌ویژه بازنگری در فهم مردسالارانه از دین، پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی، حقوقی و اجتماعی زنان ممکن نخواهد بود. در پایان، نظریه‌ای پیشنهادی تحت عنوان «دین عدالت‌محور و تفسیرپذیر در مواجهه با زن معاصر» ارائه می‌شود که در آن، سه مؤلفه «بازخوانی نقش زن در متون»، «مشارکت زنان در فرآیند اجتهاد» و «توجه به زمینه‌های اجتماعی در فهم دین» مورد تأکید قرار می‌گیرد.

کلیدواژگان: زن معاصر، دین، بازاندیشی دینی، عدالت جنسیتی، انتظار از دین، فقه زنان

^۱. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی جامعه الزهرا س قم

تلفن: ۰۹۳۵۲۶۰۹۵۵۲

ایمیل: tabatabaei.hakim@gmail.com

◆ مقدمه و بیان مسئله

با گذر جوامع اسلامی از سنت به مدرنیته، جایگاه و نقش اجتماعی زنان با تحولات گسترده‌ای همراه شده است. زنان امروز نه تنها در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی حضور فعال دارند، بلکه با ذهنیتی منتقدانه و آگاهانه، به سراغ مفاهیم دینی می‌آیند و پرسش‌هایی بنیادین درباره عدالت، تساوی حقوق، تفسیر متون دینی و نقش خویش در جامعه مطرح می‌سازند (بهنام، ۱۳۸۱). در چنین شرایطی، «انتظار زن معاصر از دین» دیگر محدود به نقش همسری و مادری نیست، بلکه ناظر به شناخت جایگاه کرامت انسانی، مشارکت در تولید معنا و بازسازی رابطه انسان با دین از منظر جنسیت است.

با این همه، هنوز بخش مهمی از متون دینی و فقهی، با تفسیری مردمحور و با نگاه تاریخمند به زن نگریسته‌اند. زن در بسیاری از این متون، یا در مقام تابع و مطیع مرد معرفی می‌شود، یا از مشارکت در حوزه‌های کلان اجتماعی و معرفتی محروم می‌گردد (مطهری، ۱۳۷۸؛ مرنیسی، ۱۹۹۱). از این رو، بازخوانی رابطه زن معاصر با دین، ضرورتی معرفتی و اجتماعی است که می‌تواند به بازاندیشی در آموزه‌ها و سازوکارهای تفسیر دینی بینجامد.

مسئله اصلی پژوهش آن است که: زن معاصر چه انتظاراتی از دین دارد و این انتظارات چگونه با خوانش سنتی از دین در تعارض یا تعامل قرار می‌گیرند؟

اهداف پژوهش:

۱. تبیین ابعاد انتظارات زن معاصر از دین
۲. تحلیل انتقادی خوانش‌های سنتی، نواندیش و فمینیستی از جایگاه زن در دین
۳. ارائه نظریه‌ای نوین برای پاسخ‌گویی دین به نیازهای زن معاصر

پرسش‌های اصلی:

- مهم‌ترین مؤلفه‌های انتظار زن معاصر از دین چیست؟

- دیدگاه‌های دینی رایج چه نسبتی با این انتظارات دارند؟
- چه چارچوب نظری می‌توان برای پاسخ‌گویی دین به زن معاصر ارائه کرد؟

فرضیه:

دین با قابلیت‌های ذاتی خود در عدالت‌خواهی، معنویت و کرامت انسانی، می‌تواند به نیازهای زن معاصر پاسخ گوید، به شرط آنکه با تفسیری باز، زمینه‌مند و مشارکت‌محور خوانده شود.

در ادامه، به «مبانی نظری و پیشینه پژوهش» پرداخته می‌شود. در این بخش، ابتدا چهار چارچوب نظری کلان در مواجهه با زن و دین معرفی و سپس مروری بر پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط خواهیم داشت.

♦ مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱. چارچوب‌های نظری در تحلیل رابطه زن و دین

در بررسی «انتظار زن معاصر از دین»، می‌توان چهار رویکرد نظری اصلی را به‌عنوان چارچوب‌های تحلیل در نظر گرفت:

الف) رویکرد سنت‌گرای دینی

این دیدگاه، که عمدتاً از سوی متفکران کلاسیک و سنتی اسلامی همچون فقهای سلف (ابوحنیفه، مالک، شافعی و ...) و مفسران کهن قرآن شکل گرفته است، بر تمایزهای تکوینی و تشریعی میان زن و مرد تأکید دارد. بر اساس این نگاه، ساختارهای دینی و فقهی موجود عادلانه‌اند، زیرا مطابق با فطرت و کارکردهای متفاوت زن و مرد طراحی شده‌اند (مطهری، ۱۳۷۸). این رویکرد انتظار زن معاصر از برابری و مشارکت فعال را با «تغییرناپذیری شریعت» در تعارض می‌بیند.

ب) رویکرد نواندیشی دینی

نواندیشان دینی، با تکیه بر عقلانیت مدرن و بازخوانی متون دینی، بر امکان تغییر و تفسیر احکام مربوط به زن در فقه، تفسیر و کلام تأکید دارند. چهره‌هایی چون عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری، حسن یوسفی اشکوری و محمد شحرور، بر زمینه‌مندی آیات و امکان تحول در فهم دینی با تغییر بسترهای اجتماعی تأکید دارند (سروش، ۱۳۷۹؛ شحرور، ۲۰۰۹).

پ) رویکرد فمینیسم دینی

این رویکرد بر آن است که ساختارهای دینی - در شکل تاریخی خود - با نگاه مردمحور تفسیر شده‌اند. فمینیست‌های مسلمان همچون آمنه ودود، فاطمه مرنیسی، عزیزه الهیری و عایشه همدانی خواستار بازگشت به متن اصلی دین (قرآن) با قرائتی زن‌محور و عادلانه‌اند (Wadud, ۱۹۹۹; Mernissi, ۱۹۹۱). آنان بر آن‌اند که انتظار زن معاصر از دین، بازسازی عادلانه تفسیر و قدرت دینی است.

ت) رویکرد انتقادی - تمدنی

این نگاه، با تمرکز بر تمدن‌سازی نوین اسلامی، به دنبال بازتعریف جایگاه زن در چارچوب عدالت اجتماعی، بازتولید سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زن در جوامع اسلامی است. در این رویکرد، نگاه به زن نه صرفاً از منظر فقهی، بلکه از منظر توسعه انسانی و تمدنی تحلیل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰؛ نصر، ۲۰۰۲).

۲۰. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی:

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸) *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.
- دیدگاهی سنت‌گرایانه دارد که بر تفاوت‌های حقوقی زن و مرد به مثابه «عدالت تکوینی» تأکید می‌کند.
- آزاد ارمکی، تقی و توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵) *زن و تغییرات اجتماعی در ایران*.
- به تحلیل جامعه‌شناختی تغییرات نقش زن پرداخته و نیاز به بازنگری در نهادهای دینی را مطرح می‌کند.

- منصوره اتحادیه (۱۳۹۰) *زنان، قدرت، دین*.

به بررسی تاریخی نقش زنان در مواجهه با دین پرداخته و نقش ساختارهای مردسالار را پررنگ می‌داند.

پژوهش‌های خارجی:

- Mernissi, Fatima (۱۹۹۱). *The Veil and the Male Elite: A Feminist Interpretation of Women's Rights in Islam*.

روایتی تاریخی و فمینیستی از حذف زنان از حوزه‌های دینی و تفسیری ارائه می‌کند.

- Wadud, Amina (۱۹۹۹). *Qur'an and Woman: Rereading the Sacred Text from a Woman's Perspective*.

تفسیری زن‌محورانه از قرآن و نقد ساختار سنتی تفسیر دینی.

- Nasr, Seyyed Hossein (۲۰۰۲). *The Heart of Islam*.

دیدگاهی سنت‌گرای معنوی که کرامت زن را در بستر اخلاق و عرفان اسلامی تحلیل می‌کند.

در مجموع، پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با وجود تکرار دیدگاه‌ها درباره زن و دین، هنوز نظریه‌ای جامع که بتواند هم به اقتضائات زن معاصر پاسخ دهد و هم ریشه در سنت اسلامی داشته باشد، به صورت منسجم ارائه نشده است. این مقاله با تلفیق رویکردهای نواندیشی دینی و تمدن‌گرای اسلامی، در پی پر کردن این خلأ نظری است.

در ادامه، و در بخش چهارم مقاله به بررسی «تحول جایگاه زن در جهان معاصر و مطالبات نوین» پرداخته می‌شود. این بخش با تمرکز بر تغییرات فرهنگی، اجتماعی و معرفتی، زمینه‌های اصلی شکل‌گیری انتظارات جدید زنان از دین را تبیین می‌کند.

♦ تحول جایگاه زن در جهان معاصر و مطالبات نوین

۱. گذار از هویت سنتی به هویت مدرن

زن در جوامع پیشامدرن، عمدتاً در نقش‌های تعریف‌شده‌ای همچون مادری، همسری و خانه‌داری ظاهر می‌شد و از مشارکت در عرصه‌های عمومی، تولید علم و قدرت سیاسی کنار نهاده می‌شد. این وضعیت نه تنها نتیجه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع سنتی بود، بلکه در بسیاری موارد، با تفاسیری خاص از متون دینی نیز

دین باید بتواند با عقلانیت مدرن و ساختارهای دموکراتیک همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد.

همزیستی دین با مدنیت معاصر
اخلاق اسلامی باید بر رابطه قدرت، جنسیت و نهادهای دینی حاکم باشد.
دینی

۴. پیامدهای نظری

پذیرش این نظریه، پیامدهایی مهم در حوزه‌های مختلف دارد:

- در فقه: امکان اجتهاد زنانه، تحول در فقه خانواده، بازتعریف اولویت‌ها؛
- در تفسیر قرآن: گسترش خوانش‌های زن‌محورانه و اخلاق‌محور؛
- در تعلیم و تربیت: ارائه الگویی زن‌مدار برای تعلیم دینی در مدارس و حوزه‌ها؛
- در سیاست دینی: لزوم مشارکت واقعی زنان در سیاست‌گذاری دینی و فرهنگی؛
- در معنویت اسلامی: تقویت تجربه معنوی زنانه و عرفان زن‌فهم.

در ادامه، و در بخش پایانی مقاله به «نتیجه‌گیری و پیشنهادها» پرداخته می‌شود. این بخش، جمع‌بندی نکات کلیدی، پاسخ به پرسش اصلی مقاله، و ارائه پیشنهادهایی برای ادامه مسیر پژوهشی و کاربردی است.

♦ نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱. نتیجه‌گیری

تحولات گسترده در وضعیت اجتماعی، فرهنگی و معرفتی زنان در جهان معاصر، سبب شده است که انتظارات آنان از دین نیز دگرگون شود. زن امروزی، دینی را می‌طلبد که نه تنها کرامت انسانی او را به رسمیت بشناسد،

بلکه امکان مشارکت مؤثر در حیات علمی، اجتماعی، حقوقی و معنوی را نیز برای او فراهم سازد. در برابر این مطالبات، سه رویکرد اصلی قابل شناسایی‌اند:

- **رویکرد سنتی**، که بر تمایز ذاتی زن و مرد و تقسیم سنتی نقش‌ها تأکید دارد؛
- **رویکرد نواندیشی دینی**، که امکان تحول در فهم دینی را برای پاسخ به نیازهای جدید می‌پذیرد؛
- **رویکرد فمینیستی اسلامی**، که تفسیرهای مردسالارانه را نقد کرده و خواستار بازتوزیع قدرت دینی است.

با تحلیل تطبیقی این رویکردها و بررسی زمینه‌های فرهنگی و معرفتی زن معاصر، نظریه‌ای با عنوان «**دین عدالت‌محور و تفسیرپذیر**» پیشنهاد شد که تلفیقی از وفاداری به متن، بازاندیشی در تفسیر، عدالت‌محوری و مشارکت‌پذیری زنان در تولید دانش دینی است.

۲. پاسخ به پرسش اصلی

پرسش اصلی مقاله این بود: **زن معاصر چه انتظاراتی از دین دارد و چگونه می‌توان در چارچوب دین به آن پاسخ داد؟**

پاسخ آن است که زن معاصر انتظار دارد دین:

- با کرامت انسانی او هم‌داستان باشد؛
- امکان تفسیر و اجتهاد زنانه را فراهم سازد؛
- احکام اجتماعی و حقوقی را در پرتو عدالت بازنگری کند؛
- به تجربه زیسته و عقلانیت زنانه توجه کند؛
- در فرآیند سیاست‌گذاری فرهنگی و دینی، صدای زنان را به رسمیت بشناسد.

این امر نه با نفی دین، بلکه با بازسازی عالمانه و اخلاق‌محور فهم دینی ممکن است.

۳. پیشنهادها

الف) در حوزه پژوهش

- توسعه مطالعات تطبیقی درباره دیدگاه‌های زنان در جوامع اسلامی و غربی درباره دین؛
- تحلیل جامعه‌شناختی تجربه دینی زنان در ایران معاصر؛
- تدوین الگوی تفسیر زن‌فهم از قرآن و سنت.

ب) در حوزه آموزش دینی

- بازنگری در محتوای دروس دینی در مدارس و دانشگاه‌ها از منظر عدالت جنسیتی؛
- گسترش حضور زنان در حوزه‌های اجتهادی و تفسیر؛
- تولید محتوای دینی متناسب با زبان و نیاز زن معاصر.

پ) در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی

- طراحی نهادهای دینی با مشارکت زنان در تصمیم‌گیری؛
- حمایت از پروژه‌های علمی زنان در فقه، کلام و تفسیر؛
- تقویت رسانه‌هایی با رویکرد معنوی - عقلانی در حوزه زن و دین.

الف) منابع فارسی

۱. اشکوری، حسن. (۱۳۸۷). *زن، دین و نواندیشی*. تهران: نشر طرح نو.
۲. الکسی، محمدعلی. (۱۳۹۱). «بازخوانی عدالت جنسیتی در فقه اسلامی»، *فصلنامه مطالعات زنان مسلمان*، سال ۳، شماره ۲، صص ۵۵-۸۰.
۳. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۵). *زن در آیین سنت و مدرنیته*. تهران: نشر نی.
۴. پارسانیا، حمید. (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی دینی در جهان معاصر*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۴). *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*. تهران: سروش.
۶. داوری اردکانی، رضا. (۱۳۹۴). *زن، تاریخ و تجدد*. تهران: سخن.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *(المفردات فی غریب القرآن)*. تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم.
۸. سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۹). *(بسط تجربه نبوی)*. تهران: صراط.
۹. شریعتی، علی. (۱۳۸۵). *(زن: مجموعه آثار ۲۲)*. تهران: انتشارات چاپخش.
۱۰. شهیدی، جعفر. (۱۳۷۵). *(زن در آیین جلال و جمال فاطمه (س))*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. شبستری، محمد مجتهد. (۱۳۸۰). *(نقدی بر قرائت رسمی از دین)*. تهران: طرح نو.
۱۲. فیرحی، داود. (۱۳۹۲). *(فقه و سیاست در ایران معاصر)*. تهران: نشر نی.
۱۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *(نظام حقوق زن در اسلام)*. تهران: صدرا.
۱۴. نراقی، مصطفی. (۱۳۸۰). «زن در آینه جامعه‌شناسی دینی»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۴، صص ۲۱-۴۳.

۱۵. هدایت‌نیا، فرشته. (۱۳۹۲). *زنان و عدالت در اندیشه اسلامی*. قم: بوستان کتاب.
۱۶. یوسفی اشکوری، حسن. (۱۳۹۰). «رویکردهای فمینیسم اسلامی در جهان معاصر»، *پژوهشنامه زنان و فرهنگ*، سال ۲، شماره ۱، صص ۷۰-۹۵.
-

(ب) منابع لاتین

- Barlas, A. (۲۰۰۲). *"Believing Women" in Islam: Unreading Patriarchal Interpretations of the Qur'an*. Austin: University of Texas Press.
۱۸. Mernissi, F. (۱۹۹۱). *The Veil and the Male Elite: A Feminist Interpretation of Women's Rights in Islam*. New York: Basic Books.
۱۹. Wadud, A. (۱۹۹۹). *Qur'an and Woman: Rereading the Sacred Text from a Woman's Perspective*. Oxford: Oxford University Press.
۲۰. Mir-Hosseini, Z. (۲۰۰۶). "Muslim Women's Quest for Equality: Between Islamic Law and Feminism," *Critical Inquiry*, Vol. ۳۲, No. ۴, pp. ۶۲۹-۶۴۵.
۲۱. Mahmoud, S. (۲۰۰۵). *Politics of Piety: The Islamic Revival and the Feminist Subject*. Princeton: Princeton University Press.
۲۲. Cooke, M. (۲۰۰۱). *Women Claim Islam: Creating Islamic Feminism through Literature*. New York: Routledge.
۲۳. Hassan, R. (۱۹۹۱). "Equal Before Allah? Woman- man Equality in the Islamic Tradition," *Harvard Divinity Bulletin*, Vol. ۲۱, pp. ۱-۵.